

مصاحبه با بهزاد سهرابی در رابطه با ترور مجید حمیدی

مصاحبه گر: هما آذر

دهم آبان ماه هشتاد و شش

کارگر: با خبر شدیم که صبح روز پنجشنبه، ۲۶ مهرماه، حوالی ساعت ۹، دو نفر موتورسوار با لباس شخصی، مجید حمیدی از اعضای کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری را در نزدیکی منزلشان، مورد سوء قصد قرار دادند. در این رابطه گفتگویی را ترتیب دادیم، با آقای بهزاد سهرابی، از اعضای کمیته ی هماهنگی و سخنگوی کمیته ی دفاع از محمود صالحی.

کارگر: بهزاد جان، سلام! لطفا در این رابطه توضیحاتی را به مخاطبین ما بدهید.

سلام دوستان! خسته نباشید. قبل از هر چیز تشکر می کنم که این وقت را در اختیار من قرار دادید، تا در رابطه با ترور آقای حمیدی، توضیحاتی را خدمت شما عرض کنم. آقای مجید حمیدی عضو کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری و نیز عضو کمیته دفاع از محمود صالحی هستند که در مورخه ۸۶/۷/۲۶ حوالی ساعت ۹ صبح، نزدیک منزل خودشون در راه کار از طرف دو نفر موتورسوار با لباس شخصی مورد حمله قرار گرفت و تعداد ۷ گلوله به ایشان شلیک شد. بعد از این اتفاق ایشان را به بیمارستان بعثت شهر سنندج منتقل کردند. طبق نظر پزشکان به دلیل محدودیت امکانات و حساس بودن موقعیت دو گلوله ای که از پشت به جمجمه ی ایشان فرو رفته بود، ایشان را به بیمارستان امیراعلم تهران انتقال دادند. در نهایت روز چهارشنبه، ۲ آبان، مجید حمیدی را از بیمارستان مرخص کردند و متأسفانه پزشکان نتوانستند هیچ گونه جراحی روی ایشان انجام دهند. به این دلیل که دو تا از گلوله ها که روی قسمت راست صورت از طرف گردن وارد شده بود، روی عصب سمت راست صورت وی قرار گرفته بود و به دلیل اینکه احتمال فلج بودن سمت راست صورت ایشان می رفت، پزشکان وی را هنوز عمل نکرده اند. در حال حاضر مجید حمیدی در خانه بستری است و منتظر عمل بعدی است.

کارگر: آقای سهرابی! به نظر شما این ترور می تواند از طرف چه کسانی و با چه اهدافی صورت گرفته باشد؟

در رابطه با این سؤال باید بگویم که آقای مجید حمیدی، همانطور که گفتیم در کمیته ی هماهنگی و کمیته دفاع از محمود صالحی فعالیت داشت و جدای از آن در سال های ۸۵ و ۸۶ یکی از اعضای کمیته برگزار کننده مراسم اول ماه می، روز جهانی کارگر، در شهر سنندج بودند و در آخرین برنامه، ایشان به همراه دوستان خود در تلاش برای ایجاد شورای کارگری در شهر سنندج بودند و اقدامات خود را از ۵ ماه پیش شروع کردند و هر هفته با کارگران این شهر جلسه ای برگزار می کردند. با توجه به این فعالیت ها کاملاً مشخص است که کسانی که قصد ترور ایشان را داشتند، حامیان و مدافعان نظام سرمایه داری بودند که با این اقدامات می خواهند با فعالین حقوق کارگران به این

کارگر: خوب آقای سهرابی! این اقدامات از سوی حاکمیت مدافع سرمایه و صاحبان سرمایه، به خوبی نشان دهنده ی پیشروی جنبش کارگری و نیز سایر جنبش های اجتماعی است که این روزها مدام خبر تعرض به آن ها را هم می شنویم. نظر شما در این رابطه چیست؟

طبیعتا با نگاهی به وضعیت ایران، به خوبی می بینیم که هر جا طبقه ی کارگر و دیگر جنبش های اجتماعی و در رأس آن ها جنبش کارگری، توانسته با تکیه بر توان خود به خواست ها و مطالبات خود برسد، حامیان سرمایه و سیستم سرمایه داری عکس العمل هایی در این رابطه با پیشروان و فعالین کارگری انجام داده اند. طبیعتا ما شاهد آن هستیم که حد اقل از سال ۸۳ به بعد، با رشد جریان جنبش کارگری در ایران و با کار علنی که به اسم کمیته های کارگری مختلف در ایران صورت گرفته، ما شاهد تعرضات هر روزه به کارگران در کلیه ی مراکز کارگری ایران هستیم. همصدا با جنبش کارگری ایران، در دو سال اخیر شاهد آن بودیم که جنبش دانشجویی و زنان و به خصوص جنبش دانشجویی با شعار "دانشجو، کارگر، اتحاد! اتحاد!" شعارهای رادیکال خود را در سطح جنبش های اجتماعی ایران مطرح می کند. طبیعتا هر پیشروی جنبش کارگری در ایران این طبقات را به دنبال خواهد داشت. من هم با نظر شما کاملا موافقم که این خود یک نشان از پیشروی جنبش کارگری است. همانطور که خود شما اطلاع دارید، بحث ایجاد تشکل های کارگری که در ایران حد اقل ۳-۴ سال است که از طرف پیشروان و فعالین کارگری مطرح می شود، امروز به یکی از خواست های اصلی کارگران نیشکر هفت تپه تبدیل شده است. ولی از سویی دیگر به نظر من این برخوردها با فعالین کارگری هیچ تأثیری نمی تواند بر حرکت جنبش کارگری در ایران بگذارد و جنبش کارگری مطمئنا همچون گذشته رو به جلو خواهد رفت.

کارگر: به نظر شما در مقابل این تعرضات، عملکرد ما باید به چه صورت باشد؟

اگر واقع بینانه به این قضیه نگاه کنیم، تنها راه عملی این است که در سطح گسترده ای، حرکت اعتراضی کارگران، زنان و دانشجویان را در این رابطه سازماندهی کنیم. ولی با توجه به شرایط سرکوب شدیدی که در ایران هست، این خواست طبقاتی به صورت ایده آل به اجرا در نمی آید. در مقابل ما باید از تمام مجامع کارگری و مردم آزادیخواه ایران دعوت کنیم که در مقابل این تعرضات، به طور گسترده ای دست به اعتراض بزنند. و تا رسیدن به این امر که خواست ایده آل ماست، باید به هر نحو ممکن دست به اعتراض زد. باید در هر کارخانه که این امکان وجود دارد دست به اعتراض زد. همچنین سایر جنبش های اجتماعی ایران مثل زنان و دانشجویان باید در حمایت از فعالین کارگری دست به اعتراض بزنند. حداقل این کار این است که از طریق نوشته هایی خطاب به مردم ایران، دولت ایران را مجبور به پیگیری عاملین و آمرین این ترور کنیم. همچنین از تمامی مجامع بین المللی کارگری در دنیا می خواهیم که با فشار به دولت ایران، در دستیابی به این خواست ما را یاری کنند.

کارگر: ممنون آقای سهرابی! در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

در پایان این مطلب را اضافه می‌کنم، که تعرضاتی که به فعالین کارگری و همچنین به فعالین حقوق صنفی معلمین، دانشجویان و زنان صورت می‌گیرد، به طور مثال زندانی کردن آقای محمود صالحی و منصور اسالو، نتوانسته تأثیری بر جنبش خودجوش طبقه ی کارگر ایران بگذارد. من معتقدم که همین امر باعث شده است که حاکمیت، پا را فراتر بگذارد و به حذف فیزیکی این فعالین دست بزند. تا با از بین بردن این فعالین، جو رعب و وحشت را هم در بین فعالان و نیز مردم ایجاد کنند. من در کل نسبت به دورنمای جنبش کارگری خوش بین هستم، چرا که مشکل نظام سرمایه داری وجود فعالین کارگری معترض نیست. مشکل از تعارضات درونی نظام سرمایه داری است. این یک خصالت نظام سرمایه داری است. استثمار و بهره کشی، کار مزدی، بی حقوقی، تحقیر و نبودن آزادی خصالت سرمایه داری است. حتی با حذف فعالین کارگری، زنان، معلمان و دانشجویان هم این مشکلات حل نخواهد شد.

مصاحبه گر: هما آذر

وبلاگ کارگر

پنجشنبه دهم آبان ۱۳۸۶